

خط امام زمان (عج) همان خط امام حسین (ع) است/هفت مؤلفه اصلی انتظار

رئیس مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا گفت: خط امام مهدی(ع)، همان خط امام حسین (ع) است و کار ایشان، در حقیقت به کمال رساندن کار امام حسین (ع) است.

رئیس مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا گفت: خط امام مهدی(ع)، همان خط امام حسین (ع) است و کار ایشان، در حقیقت به کمال رساندن کار امام حسین (ع) است.

به گزارش خبرگزاری مهر، مطلب پیش رو متن یکی از سخنرانی های سال گذشته، حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا در جمع اعضای ارشد اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان سراسر کشور در کربلای معلی است.

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، الصلاة والسلام على رسول الله و على آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (سوره انبياء آیه ۱۰۵)

سلام عرض می کنم خدمت برادران گرامی، و خداوند منان را شاکرم که امسال نیز توفیق حضور در پیاده روی عظیم و حماسی اربعین حسینی علیه السلام را به همه ما عنایت کرد. موضوع بحث بنده در جمع شما عزیزان، "اربعین و بازخوانی نظریه انتظار فرج" است. این بحث، از گذشته همواره جزء بحث های کلیدی و اثرگذار به شمار می رفته و خیلی از اندیشمندان در این عرصه اظهارنظر کرده اند. علت اهمیت فوق العاده این بحث، این است که با ترسیم خطی روشن، تکلیف شیعیان را در دوران پر فراز و نشیب غیبت کبری مشخص می کند.

برای شروع، اجمالاً به دوازده نکته مهم از باب مدخل اشاره می کنم.

وعده قطعی الهی

نکته اول اینکه، قیام جهانی منجی عالم بشریت و شکل گیری حکومت جهانی صالحین یک وعده قطعی از جانب خداوند است. برای نمونه، قرآن مجید، هم در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که در ابتدای سخن قرائت کردم، و در آن صراحتاً زمین را میراث صالحین خوانده است، و هم در سوره قصص آیه ۵ که می فرماید: **وَوَرِّدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**، به این وعده قطعی- که از آن به منت خداوند بر مستضعفین عالم تعبیر کرده است-، اشاره می کند؛ یا حدیثی است از امام زمان (عج) که می فرماید: **أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِنْ مَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهْوًا** یعنی اراده حتمی خداوند بر این قرار گرفته است که -دیر یا زود -؛ پایان حق، پیروزی، و پایان باطل، نابودی باشد. (بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۱۸۱)

عصر غیبت و آزمونی عظیم

نکته دوم اینکه، غیبت کبری، گرچه یک محرومیت است لکن یک میدان عظیم برای ابتلائات عظیم و به تبع آن، رشد انسان است. در واقع، ما در غیبت ظاهری امام معصوم (ع) دچار یک محرومیت بزرگ و غیرقابل وصف هستیم اما در کنار این محرومیت، شاهد لطف بزرگی از جانب خداوند متعال نیز هستیم چراکه پروردگار عالم در این دوران، زمینه را برای شکل گیری عالی ترین و سخت ترین ابتلائات فراهم کرده است. در حقیقت، انسان در مواجهه پیروزمندانه با این ابتلائات است که به رشد و کمال می رسد و هر چه این ابتلائات بزرگ تر، سخت تر و پیچیده تر باشد، به تبع آن، فرصت رشد و تعالی نیز بیشتر است. توجه داشته باشید که در دوران غیبت، شیطان با همه ظرفیت خود به صحنه می آید و متقابلاً، عمده استعدادهای الهی انسان در نبرد با شیطان و جبهه باطل بروز و ظهور پیدا می کند و این واقعه، مسیر منحصربفردی را برای ظهور انسان های بزرگ ایجاد می کند.

امام دوازدهم؛ وارث انبیا و اولیاء

نکنه سوم اینکه، منجی عالم بشریت (ع)، امام دوازدهم و از فرزندان بزرگوار امام حسین (ع) یعنی فرزند امام حسن عسکری (ع) است. امام حسین (ع) در یک بیان صریح می فرماید: «منا اثنا عشر مهدیا، اولهم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، و آخرهم التاسع من ولدی، و هوالقائم بالحق، یحیی الله به الارض بعد موتها، و یظهر به دین الحق علی الدین کله، ولو کره المشرکون. (موسوعة کلمات الامام الحسین، صص ۶۶۶-۶۵۵، ج ۷۰۳) یعنی: در میان ما اهل بیت دوازده مهدی وجود دارد که اولین آنها امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین فرزند من است، و اوست قیام کننده به حق، خداوند به وسیله او زمین را پس از آنکه مرده است زنده می کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان نپسندند. البته در این روایت نکات ظریف فراوانی هست که می توان به آن پرداخت از جمله اینکه حضرت بر مهدی بودن همه ائمه اطهار (ع) تاکید دارند هرچند بین نقش سایر ائمه (ع) و امام دوازدهم (ع) مرز روشنی را نیز مشخص می کنند. به بیان دیگر، مهدویت بالمعنی الاعم درباره همه ائمه هدی (ع) صدق می کند ولیکن مهدویت بالمعنی الأخص مربوط به حجت ابن الحسن العسکری (ع) می باشد که البته ایشان در مهدویت، وارث همه انبیاء و همه ائمه طاهرین (ع) هستند و ماموریت آنها را به اذن الهی به نهایت می رسانند.

مهدی (ع)؛ امام حی

نکنه چهارم اینکه، امام هم اکنون حی و حاضر است. یعنی حیات جسمانی دارد و در میان مردم دنیا به صورت عادی و ناشناس زندگی می کند. البته در این زمینه بین ما و اهل سنت اختلاف نظر هست لکن شیعه باور به حیات جسمانی امام زمان از سال ۲۲۵ هجری قمری تا زمان ظهور را قطعی و ضروری می داند؛ و اما درباره حیات عادی امام (ع) در میان مردم، محمد بن عثمان عمری، یکی از نایبان چهارگانه ی امام زمان (عج) می گوید: "به خدا سوگند؛ صاحب الزمان در موسم حج، همه ساله حضور می یابد و مردم را می بیند و می شناسد؛ مردم [هم] او را می بینند، اما نمی شناسند. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۲). توجه بفرمایید که موضوع زندگی عادی امام (ع) در میان مردم، بدون آنکه کسی ایشان را بشناسد نیز از حکمت های الهی است.

در واقع، امام در بین مردم است و مسائل آنها را جزء به جزء اطلاع دارد و عنداللزوم از کمک به آنها در گرفتاری های بزرگ نیز دریغ ندارد. امام مهدی (ع) می فرماید: *إِنَّا عَيَّرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا تَأْسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَا تَزَلْ يَكُمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ*. یعنی ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود گرفتاری به شما روی می آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). با این وصف، این تصور که امام (ع) با اهل بیت خود و اصحاب خاصه، در یک منطقه دور افتاده و ناشناسی از زمین زندگی می کنند و امثال این حرف ها، نه با روایات قطعی السنند، و نه با منطق امامت سازگاری ندارد؛ بنابراین امام زمان (ع) در بین مردم است و مسائل آنها را از نزدیک لمس و دنبال می کند.

غیبت کبری و مدعیان کذاب

نکنه پنجم اینکه، با آغاز غیبت کبری و بسته شدن پرونده نواب خاص، مدعی ارتباط رسمی با امام (ع) و انتقال دستورات اجتماعی از امام به مؤمنین، کذاب است. همچنین اعلام کننده زمان ظهور نیز کذاب است. یعنی وقت قطعی ظهور، یک سر الهی است که هیچکس از آن با خبر نیست. در احتجاج طبرسی، جلد ۲ صفحه ۴۷۵ از امام عصر ارواحنا فداه نقل شده که فرمودند: *وَ سَيَأْتِي إِلَى شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهِدَةَ أَلَّا قَمَنَ ادَّعَى الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّعْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ*. یعنی: و به زودی کسانی نزد شیعیان من آیند و ادعای مشاهده کنند، بدانید هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای رؤیت و مشاهده کند دروغگوی مفتری است. بنابراین، اینکه بعضی اخیرا مجددا گفته اند ظهور صغری با ظهور کبری متفاوت است و امروز دوران ظهور صغری است، و مدعی ارتباط با امام زمان (ع) و دریافت دستوراتی از ایشان شده اند و غیره، هیچ مبنای دینی ای ندارد و غالبا با انگیزه های شیطانی و فریب مؤمنین مطرح می شود.

البته ما در این سخن به هیچ وجه منکر اصل امکان ارتباط با امام زمان (ع) در خواب یا بیداری نیستیم و گزارش صدها تشریف از سوی بزرگان، گویای امکان این ارتباط است، لکن اولاً، این ارتباطات مخفی است و بنای بر علنی شدن آن در زمان حیات افراد نیست؛ ثانیاً، ارتباط، یک امر شخصی است و به دلیل عدم برخورداری از حجیت، از آن احکام و تکالیفی استخراج نمی شود مگر حجیت آن از طریقی ثابت شود. به بیان دیگر، کسی نمی تواند ارتباط خود با امام (ع) و کسب رهنمود از ایشان را مسیر تولید احکام و تکالیف الهی معرفی نماید. از طرف دیگر، ظهور نشانه هایی دارد که فلسفه این نشانه ها، ایجاد آمادگی و تشخیص ظهور و قیام حضرت (ع) از سایر قیام ها و اتفاقات است، لکن این نشانه ها هیچیک امکان تعیین قطعی وقت ظهور را به کسی نمی دهد.

البته در اینجا مرز بین درک نشانه ها، آن هم برای ایجاد آمادگی و همچنین توقیت، خیلی باریک و تیز است. از طرفی، نشانه گذاری و این همه تکرار و تاکید روی آن، یک فلسفه ای دارد که نمی توان آن را منکر شد، از طرف دیگر، توقیت ممنوع است. اینجاست که نقش آفرینی علماء روشن بین و شجاع می تواند راهگشا باشد تا ضمن جلوگیری از رفتارهای منحرف و فریبکارانه، از فرصت ایجاد آمادگی نیز استفاده شود.

امام زمان؛ چشم خدا

نکته ششم اینکه، امام زمان (ع)، نه تنها حی و حاضر است، بلکه عین الله است. عین الله در یک معنا، یعنی امام (ع)، ناظر بر کل عالم و به تبع آن، ناظر بر تک تک افعال بندگان خداست. قرآن مجید در سوره توبه آیه ۱۰۵ می فرماید: **وَ قُلْ اعْمَلُوا قَسْرِي اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ سَتَرْدُوْنَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ قَيِّتُكُمْ يَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ**. یعنی ای پیامبر بگو، هر چه می خواهید عمل کنید، سپس خدا عمل شما را خواهد دید و همچنین پیامبرش و مؤمنان نیز می بینند، و بزودی بسوی دانای غیب و آشکار باز گردانده می شوید و آنگاه او شما را به آنچه کرده اید، خبر می دهد. از این آیه شریفه، نه تنها استنباط می شود که جانشین بر حق پیامبر (ص) یعنی ائمه هدی (ع) ناظر اعمال بندگان خدا هستند، بلکه مؤمنان واقعی که عالی ترین مصداق آن یعنی ولی و حجت خدا بر روی زمین، ناظر و مشرف بر اعمال و رفتار مردم هستند. امام مهدی (ع) می فرماید: **اِنَّا نَحِيْطُ عِلْمًا بِاَنْبَاِكُمْ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ اَخْبَارِكُمْ**. یعنی ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست. (بحار الأنوار؛ ج ۵۳، ص ۱۷۵) اینکه در روایات داریم که هفته ای دو مرتبه پرورده همه ما بر امام زمان (ع) عرضه می شود، و این پرورده ها موجبات خوشحالی یا ناراحتی امام (ع) را فراهم می کند، ناظر بر همین قاعده کلی است.

مهدی (ع)؛ مجرای فیض الهی

نکته هفتم اینکه، امام زمان (ع)، مجرا و مسیر فیض الهی در این عالم است. در حقیقت، روشن است که هیچکس جز انسان کامل ظرفیت دریافت مستقیم فیض الهی را ندارد و فیوضات الهی- چه مادی و چه معنوی- از طریق انسان کامل و البته بر حسب تقدیر الهی به عالم منتقل می شود. در زیارت جامعه کبیره خطاب به ائمه هدی (ع) عرض می کنیم: **السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالٍ مَّعْرِقَةَ اللّٰهِ وَ مَسَاكِيْنَ بَرَكَاتِ اللّٰهِ وَ مَعَادِيْنَ حِكْمَةِ اللّٰهِ ...** یا عرض می کنیم: **وَ يَكُمُ يَخِيْمُ (اللّٰهُ) وَ يَكُمُ يُتَزَلُّ الْغَيْثُ وَ يَكُمُ يُمَسِيْكُ السَّمَاءُ اَنْ تَقَعَ عَلَيَّ الْاَرْضُ اِلَّا يَازِيْهِ وَ يَكُمُ يُتَقَسُّ الْهَمُّ وَ يَكشِفُ الصَّرَّ وَ ...** خب، طبیعی است این موضوع درباره امام حی و حاضر و منجی عالم بشریت، به طریق اولی موضوعیت دارد کما اینکه خود امام مهدی (ع) در روایتی فرموده اند: **قُلُوْبُنَا اَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللّٰهِ، قَاذَا شَاءَ شَيْئًا**. یعنی قلوب ما ظرف هائی است برای مشیت و اراده الهی، پس هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم. (بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۹۰، ج ۱۳) یا در جای دیگر در ارتباط با نحوه اثرگذاری خودشان در دوران غیبت می فرماید: **وَ اَمَّا وَحْدَةُ الْاِيْتِيَاعِ يِي فِي غَيْبَتِي فَقَالِيَا اِيْتِيَاعِ بِالشَّمْسِ اِذَا غِيْبَهَا عَنِ الْاَبْصَارِ السَّحَابِ وَ اِيَّتِي لَأَهْلِ الْاَرْضِ كَمَا اَنَّ التَّجْوَمَ اَمَانًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ**. یعنی چگونگی بهره مندی از وجود من در دوران غیبت، همچون بهره ای است که از خورشید می برند هنگامی که ابر آن را از دیدگان نمان می کند. بعد در ادامه می فرماید: **من مایه امان اهل زمین، همانطور که ستارگان مایه امان اهل آسمانند** (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۰).

اهداف منجی

نکته هشتم اینکه، هدف عمده از قیام جهانی مهدی موعود، اولاً، احیاء و جهانی کردن اسلام ناب محمدی (ص) و ثانیاً، برچیدن بساط ظلم و فساد، و غلبه و حاکمیت صالحان بر روی زمین است که البته هدف دوم وابسته به تحقق هدف اول است و از خودش استقلال ندارد چراکه اگر اسلام ناب، احیاء و سپس جهانی شد، به تبع آن، مسیر برای برچیده شدن بساط ظلم و فساد در جهان، شکل گیری حکومت مستضعفین و صالحین و در نهایت، حیات حقیقی انسانها فراهم می شود. قرآن مجید در سوره انفال آیه ۲۴ می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ**. یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسولش را زمانیکه شما را به سوی آنچه زنده تان می سازد دعوت می کنند، اجابت کنید. پس دقت بفرمایید که اگر اسلام ناب برقرار شد، به طور طبیعی اهداف دیگر که جزء وعده های قطعی الهی است، یکی پس از دیگری محقق می شود.

خط امام مهدی (ع) و خونخواهی خون خدا

نکته نهم این است که خط امام مهدی (ع)، همان خط امام حسین (ع) است و کار ایشان، در حقیقت به کمال رساندن کار امام حسین (ع) است. در واقع، همانطور که امام حسین فرمودند: **إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا** و **وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِيَطْلُبَ الْإِصْلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بِنِ**

أبيطالب»؛ یعنی: من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امتّ جدّم از وطن خارج شدم؛ می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم. متقابلاً، فرزند بزرگوارشان نیز به دنبال اصلاح و احیای اسلام ناب محمدی (ص) و علوی (ع) که به تعبیر معصوم (ع) به پوستینی وارونه تبدیل شده، و همچنین بهره مند سازی جامعه جهانی از ثمرات امریه معروف و نهی از منکر می باشد. پس خط مهدوی همان خط حسینی (ع) است.

در اینجا لازم می دانم مطلبی را در پرانتز عرض کنم و آن اینکه، وقتی از ناحیه معصوم (ع) توصیه شده تا به مناسبت عزای عظمی حسینی (ع) به همدیگر بگوییم أعظمَ الله أجورنا بمصابنا بالحسين (ع) وَ جَعَلْنَا وَ إياكم مِنَ الطالِبِينَ بشاره مع ولیّه الإمام المهدی مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، یک پیام بسیار مهم در این عبارت نهفته است و آن، بحث خون خواهی امام حسین (ع)، توسط فرزند بزرگوارشان مهدی موعود ارواحنا فداه است. خب، این خون خواهی به چه معناست، قاتلان ملعون امام که صدها سال است به درک واصل شده اند و این دنیا هم که در دوران ظهور امام (ع)، هنوز صحنه قیامت کبری نیست که موعد مجازات حقیقی و نهایی آنها فرا رسیده باشد؛ پس معنای خون خواهی چیست؟ قبل از هر چیز، باید بدانیم که حسین علیه السلام خون خداست؛ ثارالله است. بنابراین خون خواهی امام حسین (ع) به عنوان حجت و ولی خدا، یک انتقام گیری شخصی نیست که فرزندی نسبت به پدر آن را انجام می دهد؛ بلکه یک ماموریت عظیم الهی است که توسط امام زمان (ع) باید انجام شود. با این وصف، خون خواهی، انتقام از همه کسانی است که به زعم خود، جلوی حرکت الهی انبیاء و در رأس همه، حرکت پیامبر گرامی اسلام (ص) و جانشینان بر حق ایشان را گرفتند و جهان را پر از ظلم و فساد کردند. خود امام حسین (ع) در این زمینه می فرمایند: يَطْهَرُ اللَّهُ قَائِمًا قَيِّتَمٌ مِنَ الظَّالِمِينَ. یعنی خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد، آنگاه او از ستمگران انتقام می گیرد. (اثبات الهدی، ج ۷، ص ۱۳۸).

بنابراین، معنای خون خواهی این است که امام زمان (ع)، با قیامشان، به اذن و اراده الهی، انتقام خداوند و در طول آن، انتقام مظلومان جهان را در این دنیا از شجره خبیثه ظلم و ستم خواهد گرفت و ریشه این درخت پلید و خون آشام را خشک خواهد کرد. یک شاخه بزرگ این درخت، تفاله های اصحاب ثقیفه و بنی امیه ها و بنی مروان ها و بنی عباس ها و غیره هستند که هنوز دست از مقابله با دین خدا و کشتار اصحاب حق بر نداشته اند، و شاخه های دیگر آن شجره خبیثه، تفاله های سایر ستمگران جهان و در رأس آنها صهیونیست های کثیف هستند که همواره بخش مهمی از مظالم و مفاسد عالم توسط آنها و عمال آنها طراحی و عملیاتی می شود. ضمناً بدانید که این خون خواهی، لزوماً به منزله مجازات فیزیکی نیست؛ خیر، خون خواهی جنبه فکری و فرهنگی نیز دارد که اتفاقاً به مراتب از جنبه مجازات فیزیکی والاتر و مؤثر تر است. یعنی امام زمان (ع) با قیامشان، کاری خواهند کرد که طومار تفکرات باطل و فاسد برای همیشه بیچیده خواهد شد.

البته دقت کنید که این خون خواهی، چه به معنای مجازات فیزیکی ستمگران، و چه به معنای غلبه فکری و فرهنگی، بنا به سنت الهی، تدریجی و مرحله به مرحله انجام می گیرد و آخرین فصل آن -که زدن ریشه شجره خبیثه است- به دست امام زمان ارواحنا فداه رقم خواهد خورد. در واقع، اینگونه نیست که در دوران غیبت، موضوع مبارزه با ظلم و خون خواهی از جنایتکاران عالم، تعطیل شود و همه منتظر بمانند تا خوان خواهی صرفاً توسط مهدی موعود ارواحنا فداه انجام شود.

انقلاب درونی، روش مهدی موعود (ع)

نکته دهم اینکه، روش اصلی امام زمان (ع) در برچیدن بساط ظلم و فساد، روش انقلاب درونی است. همان لیثیروا لهم دفائن العقول است. به تعبیر امیرالمؤمنین علی (ع)، پیامبران و اولیای الهی آمده اند تا با ایجاد یک انقلاب عظیم درونی، و بیرون کشیدن دفینه های عقلی از عمق جان ها، انسانها را به خودشان بیاورند و بیدار کنند. این بیداری چنان نیرویی در وجود انسانها خلق می کند که هیچ قدرت مادی تاب مقاومت در برابر آن را ندارد. اینکه در دوران ظهور، مردم عالم از ادیان مختلف، فوج فوج گرد امام (ع) جمع می شوند، به خاطر همین انقلابی است که امام در درون انسانها بوجود می آورد و همین انقلاب، فضای گفتمانی مسلطی را در عالم پدید خواهد آورد که در این فضا به طور طبیعی امور مردم در چرخه شریعت حقه الهی تعریف و دائماً بسط و عمق پیدا می کند. ما صحنه کوچکی از این انقلاب درونی را در حرکت امام خمینی (ره) در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس تجربه کردیم.

فراهم سازی مقدمات ظهور، وظیفه منتظران

نکته یازدهم این است که در عصر غیبت، باید مقدمات ظهور امام زمان (ع) را فراهم کرد. در واقع، سر اینکه از انتظار فرج

در تعالیم اسلامی، به افضل الأعمال تعبیر شده است این است که بواسطه آن، مقدمات ظهور مهیا می گردد. این تفکر غلطی است که عده ای انتظار فرج را تنها به ایجاد امید تفسیر کرده اند. بله، در بطن انتظار فرج امیدبخشی نیز هست و این امید در جای خود حقیقتاً راهگشاست اما چگونه می شود که یک امیدواری صرف و خالی از تحرک و مجاهدت، افضل الأعمال معرفی شود؟ مؤمنین در اوج ضعف و فلاکت بنشینند و تماشاگر انواع مظالم و مفاسد باشند، بدون اینکه حرکتی از آنها دیده شود، آنوقت به صرف داشتن یک امید غیر مؤثر، اجر برترین اعمال برای آنها منظور شود؟! این با منطق اسلام سازگار نیست. خود امام مهدی ارواحنا فداه می فرماید: **قَلْبِي مَعَكُمْ كُلَّ امْرَةٍ مِنْكُمْ يَمَّا يَقْرُبُ يَه مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا**. یعنی هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دوری گزیند. (بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷).

خب، آیا با گوشه نشینی و پرهیز از قیام می توان این توقع روشن امام (ع) را در سطح جامعه مسلمین محقق ساخت؟ آیا با تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر، با متوقف شدن جهاد و با بی اعتنایی به فقرزدایی که از اصول اسلام هستند، موجبات خشم امام فراهم خواهد شد؟ و آیا اصولاً با سکون و تماشاگری، مقدمات ظهور مهیا خواهد شد؟ لذا ما آن انتظار فرجی را حقیقی می دانیم که به تعبیر استاد شهید مطهری، در آن حرکت و سازندگی وجود داشته باشد نه انفعال، سکون و بی خیالی. از طرف دیگر، تفکر نادرست دیگری نیز وجود دارد که تصور می کند ظهور و قیام مهدی موعود (عج)، تماماً با اعجاز و کرامات الهی و نیروهای فوق مادی و فوق بشری اتفاق می افتد. این خود یکی از دلایل شکل گیری برخی باورهای غلط در خصوص انتظار فرج است. خیر، هرچند حضور نیروی فوق مادی و فوق بشری به اذن و مدد خداوند در قیام حضرت (ع) امری غیرقابل انکار است ولیکن این دنیا تا دنیاست و قواعد دنیا در آن پابرجاست، تکیه اصلی هر نوع حرکت الهی در عالم بر روی سعی و تلاش و مجاهدت مؤمنین است و نصرت الهی هم مشروط به همین مجاهدت های خالصانه است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (سوره محمد آیه ۷).

هفت مؤلفه اصلی انتظار فرج

در ادامه مایلم به هفت مؤلفه اصلی انتظار فرج اشاره کنم که جمع اینها با هم، می تواند انشالله نقشی منحصربفرد در فراهم سازی مقدمات ظهور ایفا کند:

۱. تقویت باورهای اسلامی

تلاش دائم برای تقویت بنیه اعتقادی اعضاء جامعه اسلامی، یکی از مهم ترین مؤلفه های انتظار فرج به شمار می رود. برای این امر، شکل گیری مثلث "تقوا"، "علم و خردورزی" و "ایمان"، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. در واقع، تقوا بستر وجود آدمی را برای رشد معارف الهی آماده می کند، طبیعی است که در زمین شوره زار گیاه مفیدی رشد نمی کند. در گام بعد، علم به واقعیت ها و حقایق عالم و خردورزی و تعقل درباره آن ضرورت دارد، و در نهایت، پیوند این علم و تعقل با قلب انسان - که نام این پیوند را ایمان می گذاریم - باور را در جان انسان مستقر می سازد. باید توجه داشت که در این پیوند نیز تقوا نقش منحصربفردی را بازی می کند. به بیان دیگر، ایمان در قلوب آلوده خلق نمی شود و تنها راه دفع این آلودگی ها، تقواست. در عصر غیبت، مهم ترین وظیفه ما کوشش هدفمند و برنامه ریزی شده برای تقویت باورهای اسلامی است و این امر، از طریق ارتقاء نیروی تقوا و همچنین بالابردن بنیه فکری و عقلی حاصل می شود.

۲. بارور سازی شجره طیبه اخلاق

اخلاق یک امر فطری است و از درون انسانها می جوشد. کارکرد دین درباره اخلاق، به جوشش در آوردن اخلاق و جاری کردن آن در زندگی فردی و اجتماعی است. هنر منتظران واقعی در دوران غیبت، همین است که بتوانند اخلاق اسلامی را در جامعه اسلامی رونق دهند و موانع را از پیش روی تحقق آن بردارند. گرچه این امر محتاج انواع برنامه ریزی ها و کوشش های هدفمند و سیستماتیک است لکن باید توجه داشت، هیچ امری

در بسط و اشاعه اخلاق، به اندازه عمل اخلاقی نخبگان و رهبران جامعه اسلامی مؤثر نیست چنانکه از امام صادق (ع) منقول است که فرمودند **كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ يَغَيِّرُ أَلْسِنَتِكُمْ**. در نقطه مقابل، هیچ عامل مخربی در جامعه اسلامی، بدتر و شدیدتر از آلوده شدن نخبگان جامعه و اطرافیان آنها به آلودگی های اخلاقی نیست.

۳. حفظ شریعت اسلامی

میثاق همه مؤمنان حقیقی در دوران غیبت، و الفبای انتظار، عمل به مر شریعت الهی است. امام مهدی (ع) در یک انعام حجت می فرماید: **إِجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ تَصَحَّتْ لَكُمْ، وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ؛** هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید؛ پس همانا که موعظه ها و سفارش های لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به همه ی ما و شما گواه است. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸) از طرف دیگر، هیچ راه مطمئن و مشروعی به جز فقاقت و اجتهاد برای به دست آوردن احکام شرعی وجود ندارد و هر مسیر دیگری برای دسترسی به احکام الهی، باطل و شیطانی است.

امام مهدی (ع) می فرماید: **وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ قَارِجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ** علیهم در پیشامدهای اجتماعی، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من هم حجت خدا بر آنان هستم. با این وصف، تلاش همه جانبه و فراگیر اولاً، برای پویا نگه داشتن فقه از طریق اجتهاد و ثانیاً، برای ساری کردن نتایج آن در تمامی عرصه های فردی و اجتماعی جزء وظایف اساسی منتظران در دوران غیبت قلمداد می شود. پس صریح عرض می کنم، تخفیف فقه و فقاقت و یا توهین و جسارت به فقهای جامع الشرایط، نه تنها با فلسفه انتظار همخوانی ندارد، بلکه ضد انتظار تلقی می شود.

۴. شکل گیری حاکمیت اسلامی مبتنی بر بضاعت ها

این از بدیهیات است که به جریان در آوردن احکام و ارزش های الهی در جامعه اسلامی و همچنین مبارزه با مفساد و پلشتی های جامعه، جز از طریق شکل گیری حاکمیت اسلامی امکان پذیر نیست لذا بر مؤمنین واجب کفایی است تا اگر شرایط را مهیا دیدند، لحظه ای برای تشکیل حاکمیت اسلامی با محوریت اصل مترقی ولایت فقیه درنگ نکنند. البته طبیعی است که حاکمیت اسلامی در دوران غیبت مبتنی بر بضاعتها است و نباید از حکومت های اسلامی در عصر غیبت امام زمان (ع)، توقعی فراتر از بضاعت طبیعی آنها داشت یا ناکامی های محتمل آنها را به منزله ناتوانی ذاتی حاکمیت اسلامی به حساب آورد. با این حال، هیچگونه کوتاهی در ساخت

یک حکومت کارآمد و خالی از عیوب حکومت های عرفی از ما پذیرفته نیست. باید توجه داشت، یکی از وظایف کلیدی حکومت های اسلامی در عصر غیبت، بسترسازی برای پیشرفت همه جانبه جامعه اسلامی، خصوصاً پیشرفت اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی است. مسلماً فقر و تنگدستی در شان جامعه اسلامی نیست و فرصت تسلط جریان کفر و باطل را بر مسلمانان فراهم می کند لذا تقویت بنیه اقتصادی مسلمانان در دوران غیبت، اهمیت فوق العاده ای دارد.

۵. برجسته نگه داشتن مرز حق و باطل و جلوگیری از مخلوط شدن این دو با هم

روپارویی دو نیروی حق و باطل که قرآن مجید گاه از آن به تقابل حزب الله و حزب الشیطان تعبیر می کند، یک حقیقت غیرقابل انکار است. نمی توان هم زمان در نیروی حق قرار داشت و با نیروی باطل نیز مرتبط بود؛ لذا اسلام همواره مرزهای روشنی را برای تفکیک جبهه حق از جبهه باطل ترسیم می کند تا مسلمانان موقعیت خود را گم نکنند. در دوران غیبت به طور طبیعی فتنه ها افزایش می یابد و این فتنه ها مرزهای میان دو جبهه حق و باطل را کمرنگ می کنند لذا بر علماء و مؤمنین روشن بین واجب است که برای حفظ جبهه حق و جلوگیری از ریزش در این جبهه، با برافراشته نگه داشتن پرچم های حق، مرزهای میان جبهه حق و جبهه باطل را دائماً پررنگ نگه دارند.

۶. جهانی کردن اسلام ناب

اسلام یک دین جهانی است. قرآن مجید در سوره توبه آیه ۳۳ می فرماید: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.** یعنی او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. به طور طبیعی، قیام امام زمان (ع) نیز جهانی است و آیات مرتبط با آن نیز در بدو سخن قرائت شد. بنابراین، یکی از اقدامات اساسی منتظران در جهت فراهم سازی مقدمات ظهور، تلاش خستگی ناپذیر، اولاً برای شکل گیری و تقویت اتحاد در دنیای اسلام، و ثانیاً، روشنگری و هماهنگ سازی صاحبان ادیان گوناگون برای پیگیری اهداف بزرگ الهی است. این حرکت، علاوه بر اینکه جبهه باطل را به ضعف خواهد کشاند، به آماده سازی جهان به فهم پیام مهدویت و همچنین پیوستن مردم در اقصی نقاط جهان به قیام جهانی امام (ع) کمک خواهد کرد.

۷. آمادگی مستمر برای همراهی با امام (ع) شامل:

روشن است که در دوران غیبت امام (ع) روز به روز بر حجم شبهات افزوده خواهد شد. چه شبهات اعتقادی و چه سست کردن احکام و قواعد دینی. از جمله شبهاتی که در دوران غیبت ایمان جوانان را نشانه می رود، شبهه درباره وجود حضرت مهدی (ع) و قیام ایشان است. امام حسین (ع) در این زمینه می فرمایند: «له غیبة یرتد فیها اقوام و یتبث فیها علی الدین آخرون، فیؤذون و یقال لهم: «متی هذا الوعد ان کنتم صادقین»، اما ان الصابر فی غیبتة علی الادی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله (ص)» (موسوعة کلمات الامام الحسین، صص ۶۶۶-۶۵۵، ج ۷۰۳) یعنی: برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا بر می گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می مانند، که این گروه را اذیت کرده و به آنها می گویند: «پس این وعده چه شد اگر راست می گویند؟» آگاه باشید آنکه در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند همانند کسی است که در مقابل رسول خدا(ص) با شمشیر به جهاد برخاسته است.

دوم. تهذیب نفس

قلب های ضعیف یا بیگانه از ملکوت، چشم های کم سو و گوش های کم شنوا نه تنها به مهیا شدن مقدمات ظهور کمکی نمی کنند، بلکه به طریق اولی قادر به همراهی با امام در قیام نیستند. بنابراین، تلاش مستمر برای خودسازی، یکی از وظایف اصلی منتظران در دوران غیبت به شمار می رود. این آیه شریف شعار اصلی منتظران در مسیر خودسازی است وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَتَهَيَّأَ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ؛ اما هر کس که از ایستادن در برابر پروردگارش ترسیده و نفس را از هوی بازداشته، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى؛ بهشت جایگاه اوست. (سوره نازعات آیه ۴۰ و ۴۱)

سوم. بالا بردن افق دید

نگرش های ضعیف و سطحی، قادر به درک درست مسائل گذشته جامعه اسلامی نیز نیستند چه رسد به مسائل روز و آینده، و لذا حتما وجود این نگرش ها با انتظار فعال و سازنده منافات دارند. اعضاء جامعه اسلامی باید با عنایت به اهمیت فوق العاده این موضوع، از تیزبینی لازم بهره مند باشند و با بالا بردن افق دید خودشان، به فراهم شدن مقدمات ظهور کمک کنند. لازمه این امر بصیرت افزایی دائم از سوی اصحاب معرفت و تقویت بنیه فکری مردم خصوصا جوانان است. البته افزایش بصیرت، مقتضی پهن بودن بساط خردورزی و آزاداندیشی است. اگر در جامعه اسلامی بساط تعقل و آزاد اندیشی جمع شود، هیچگاه زمینه تقویت بنیه فکری مردم مهیا نخواهد شد و تلخ تر اینکه کومه بینی، به سرنوشت محتوم آن مردم تبدیل خواهد شد.

چهارم. مرعوب نشدن در برابر هیمنه جریان مادپرگرا

خداوند متعال در سوره رعد آیه ۱۷ در توصیف پوچی ذاتی جریان باطل (علی رغم ظواهر فریبنده و پر سر و صدایش) آن را به کف روی آب تشبیه می کند که نه سودی می رساند و نه ماندنی است. البته جریان باطل به دلیل عدم رعایت چارچوب های عقلی و اخلاقی به ثروت های عظیمی دست پیدا می کند و این ثروت ها را در جهت دست یابی به اهداف ظالمانه و تثبیت قدرت خود بکار می گیرد که نتیجه آن، شکل گیری یک دستگاه مادی به ظاهر عظیم، قدرتمند و نفوذ ناپذیر است لکن قرآن همین دستگاه را از خانه عنکبوت سست تر توصیف می کند. مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (سوره عنکبوت آیه ۴۱). پس دقت بفرمایید که حفظ جریان حق و حضور آن در صحنه در عصر غیبت منوط به باور به این پیام صریح قرآن و مرعوب نشدن در برابر جریان باطل است. خیلی ها در عصر غیبت مرعوب هیمنه جریان مادپرگرا شده و لذا یا در درون آن هضم می شوند و یا دستور توقف و سکون در برابر آن را صادر می کنند! بنابراین، یکی از صحنه های جدی و پرخطر در عصر غیبت فهم این واقعیت است که جریان باطل به هر درجه ای از قدرت نیز رسیده باشد، در برابر جریان حق شکننده است. البته به لطف الهی، ما در دوره ای زندگی می کنیم که بارها توخالی بودن جریان باطل و ترس و واهمه آنها از جریان حق با وجود قلت امکانات را مشاهده کرده ایم.

پنجم. همراهی همه جانبه با ولی فقیه

ولی فقیه با شرایطی که در شرع مقدس برای آن منظور شده است، نایب عام امام زمان و زمامدار امور مسلمین در دوران غیبت است. البته باور به ولایت فقیه و لزوم تبعیت از آن، مستلزم درک فقه و نقش منحصر بفرد آن در تعیین تکالیف اسلامی و اجرای دستورات اجتماعی شرع در عصر غیبت معصوم (ع) است. به بیان دیگر، هرچند اصل ولایت فقیه به تبع بحث امامت، یک بحث کلامی است ولیکن تکیه گاه ولی فقیه و ابزار اعمال ولایت از ناحیه او، فقه می باشد. آنچه

مسلم است رمز شکل گیری انتظار حقیقی و فراهم سازی مقدمات ظهور، کنار گذاشتن منیت ها، و تبعیت تام از ولی فقیه است و لذا مهم ترین توقع از منتظران، حرکت شانه به شانه با ولی فقیه و پرهیز از عقب ماندن یا جلو زدن از او می باشد.

ششم. سربلند درآمدن از فتنه های سخت

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، دوران غیبت، مشحون از فتنه های سخت و پیچیده است. منشاء بخشی از این فتنه ها جهل یا نفاق داخلی است و منشأ بخشی دیگر از فتنه ها توطئه خارجی است. به هر حال، در دوران غیبت فتنه های رنگارنگ و فریبنده می آیند و می روند و کسانی از شر آن ها نجات می یابند که با بصیرت لازم قلمرو جریان حق و موقعیت صحیح خود در آن را تشخیص داده و شانه به شانه ولی فقیه حرکت کنند.

هفتم. صبر و پایداری

تحمل مصائب و خطرات عصر غیبت و ایستادگی بر مواضع حق، آنقدر سخت است که امام سجاد (ع) می فرماید: مَنْ تَبَتَّ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ. یعنی هرکس در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خدا اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و احد به او عطا می کند. [بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵]. بنابراین، خیلی مهم است که منتظران از بروز گرفتاری ها و ناملایمات و احیاناً ضعف ها، شکست ها و تنهایی ها خسته و نا امید نشوند و بر سر پیمان خود بایستند. جمله ای است از امام مهدی (ع) که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، قَلَا فَاقَةَ يَنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا قَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. یعنی خدا با ماست و نیازمند دیگری نیستیم، حق با ما است و باکی نیست که کسی از ما روی بگرداند. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸) همچنین حضرت ارواحنا فداه در جای دیگر می فرماید: فلا يستفرنك الشيطان، فان العزة لله ولرسوله وللمؤمنين، و لكن المنافقين لا يعلمون، الا تعلم ان من انتظر امرنا و صبر على، يري من الاذى والخوف، هو غدا في زمرةنا... (الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۸، ص ۳۷) یعنی شیطان تو را تحریک نکند. زیرا که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است لیکن منافقان نمی دانند، آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما (حاکمیت اجتماعی ما) باشد، و بر بیمها و آزارهایی که می بیند شکیبایی ورزد، در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود... اصولاً، یکی از وجوه سازنده انتظار فرج، همین قدرتی است که در منتظران برای عبور از مصائب و خطرات بوجود می آورد. انتظار تاکید می کند که این صبر و پایداری نهایتاً به فرج ختم شده و مؤمنان و صالحان را به مقصد خواهد رساند. قَاصِرٌ صَبْرًا جَمِيلًا؛ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا؛ وَ تَرَاهُ قَرِيبًا. (سوره معارج آیات ۵ تا ۷)

هشتم. تحکیم دوستی ها و هم بستگی ها

مؤمنین در دوران غیبت بیش از هر زمان نیازمند ارتباط، هماهنگی، هم بستگی و هم افزایی هستند و آنچه می تواند در کنار انگیزه ایمانی، این ارتباط را پایدار کند، تحکیم دوستی ها و صمیمیت ها حول کلمه حق، میان آنهاست. در این جهت، خیلی مهم است که عوامل تضعیف این دوستی ها، هم از ناحیه تک تک مؤمنین، و هم از ناحیه نخبگان جامعه شناسایی و از بین برود. در ارتباط با ثمره وابستگی ها و نقش آن در تعجیل فرج، مطلب مهمی از امام مهدی (ع) منقول است که می فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ يَلْفَانًا، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ يُمُشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِقَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ يَنَا. یعنی اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به بندگی خویش موفق بدارد- در وفای به عهد و پیمان الهی اتحاد و اتفاق می داشتند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد. (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶)

نهم. حفظ شور و حرارت

گرچه شور و حرارت بدون وجود عقلانیت ثمره چندانی ندارد لکن اگر شور و حرارت با عقلانیت پیوند بخورد، نیروی قوی ای را برای پیشبرد جبهه حق فراهم خواهد ساخت که نظیر آن پیدا نخواهد شد. برخی روشنفکر مآبان با تقبیح شور و حرارت، آن را یک امر حسی و عاطفی تلقی می کنند که زمینه واقع بینی را در جامعه از بین می برد؛ این در حالی است که شور و حرارت در پیوند با عقلانیت، جامعه را از رخوت، کسالت و تبلی نجات می دهد و به جامعه برای پیگیری اهداف و آرمان هایش نشاط و سرزندگی می بخشد. بنابراین، جامعه منتظر، جامعه ای است دارای شور و حرارت صحیح برای پیگیری مقاصد خود که مهم ترین آنها، فراهم سازی مقدمات ظهور است.

دهم. تجسم بخشی به جبهه حق و پیام آن

یکی از اقدامات مهم و سازنده منتظران در عصر غیبت، برجسته سازی جبهه حق و پیام آن در جامعه و خارج کردن آن از انزوای تحمیلی است. باید توجه داشت که جبهه باطل اهل تظاهرات و پرهیاهو است و همین امر موجب می شود تا تصور شود بر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن، غلبه دارد. در چنین شرایطی، لازم است با بروز و ظهور دادن به جریان حق و تجسم بخشی به کل این جریان در جامعه اسلامی، اعتماد به نفس لازم را در میان مؤمنین برای پیگیری مجدانه مواضع حقشان بوجود آورد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.